اخبار

با استقبال از آتش‌بس لبنان

روسیه همچنان آماده پذیرش اورانیوم غنی شده ایران است

سخنگوی کرملین امروز (جمعه) اعلام کرد مسکو همچنان آماده پذیرش اورانیوم غنی شده از سوی ایران است.

به گزارش ایسنا، «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین گفت: روسیه همچنان پذیرای پذیرش اورانیوم غنی‌شده از ایران است.

به نقل از خبرگزاری نووستی، وی ادامه داد: «تا آنجا که ما می‌دانیم، این پیشنهاد در حال حاضر در دست مذاکره نیست. طرف روسی پذیرای آن است. این موضوع بارها توسط رئیس‌جمهور پوتین اعلام شده است روسیه همچنان آماده پذیرش اورانیوم غنی‌شده ایران است، پیشنهادی که توسط ایالات متحده نادیده گرفته می‌شود.»

این مقام مسئول کرملین همچنین گفت: «دخالت مستقیم کشورهای اروپایی در درگیری‌های اطراف اوکراین رو به افزایش است و تمام جزئیات در بیانیه وزارت دفاع روسیه تشریح شده است. مسکو از آتش‌بس بین اسرائیل و لبنان استقبال می‌کند و امیدوار است که طرفین بتوانند از سرگیری خصومت‌ها جلوگیری کنند.»

پسکوف ادامه داد: «سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به چین در حال انجام است و مسکو و پکن به زودی تاریخ‌های آن را با هم اعلام خواهند کرد.»

فیدان:

تأثیرات جنگ با ایران جهانی خواهد بود

وزیر امور خارجه ترکیه امروز -جمعه- اعلام کرد: تأثیرات جنگ با ایران جهانی خواهد بود.

به گزارش ایسنا، «هاکان فیدان»، وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد: تأثیرات جنگ با ایران جهانی خواهد بود و جامعه بین‌المللی باید سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل در منطقه را متوقف کند.

وزیر امور خارجه ترکیه تاکید کرد: بزرگترین تهدید برای منطقه، اسرائیل است و صلح محقق نمی‌شود مگر اینکه راه حلی برای جلوگیری و پایان دادن به آن پیدا شود.

وی افزود: سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل در لبنان و سوریه به تهدیدی مستقیم برای امنیت بین‌المللی تبدیل شده است. امیدواریم توافق آتش‌بس در لبنان به طور کامل اجرا شود و به یک توافق دائمی تبدیل گردد.

این در حالی است که پنجمین مجمع دیپلماسی آنتالیا با حمایت نهاد ریاست جمهوری و میزبانی وزارت امور خارجه ترکیه، آغاز به کار کرد.

این مجمع که خبرگزاری آنادولو شریک ارتباطی جهانی آن است، با شعار «مقابله با عدم قطعیت‌ها در مسیر طراحی آینده» در مرکز کنگره و نمایشگاهی «NEST» در منطقه گردشگری بَلَک برگزار می‌شود.

مجمع دیپلماسی آنتالیا که نخستین دوره آن در سال ۲۰۲۱ برگزار شده بود، امسال نیز با مشارکت گسترده مقام‌های بین‌المللی در حال برگزاری است. در این نشست، بیش از ۲۰ رئیس دولت و حکومت، حدود ۱۵ معاون رئیس دولت و حکومت، بیش از ۵۰ وزیر از جمله بیش از ۴۰ وزیر امور خارجه، و افزون بر ۴۶۰ مقام ارشد از بیش از ۱۵۰ کشور جهان، از جمله ۷۵ نماینده سازمان‌های بین‌المللی، به همراه شمار زیادی از دانشگاهیان و دانشجویان حضور دارند.

حدود نیمی از شرکت‌کنندگان در سطح روسای دولت و حکومت از آفریقا و اروپا هستند. همچنین ۴۰ درصد شرکت‌کنندگان در سطح وزیر امور خارجه از آفریقا، ۳۵ درصد از اروپا و ۲۲ درصد از آسیا در این نشست شرکت می‌کنند.

ایران و آمریکا در دوره جدید چگونه می توانند به یک توافق پایدار برسند؟

نقشه راه توافق از میان دریای خون

با افزایش احتمال ازسرگیری مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، واشنگتن میان دو مسیر «فشار حداکثری از طریق محاصره دریایی» و «بازگشت به دیپلماسی» دچار دوگانگی شده است. تنگه هرمز به محور اصلی تقابل و اهرم ژئوپلیتیکی ایران تبدیل شده، در حالی که اثربخشی محاصره با تردیدهایی روبه‌روست. اختلافات بر سر برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها و مسائل منطقه‌ای پابرجاست. هم‌زمان، برخی تحلیلگران معتقدند ایران توان بالایی در تحمل فشار دارد و ادامه این وضعیت می‌تواند موازنه را به نفع تهران تغییر دهد.

این موضوع اسرائیل را نیز شامل می‌شود و ایجاد صلح میان ایران و آن کشور بسیار دشوار تر خواهد بود. اما ایالات متحده اهرم فشار کافی بر اسرائیل دارد تافعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن را مهار کند

سید حسین موسویان، پژوهشگر مهمان دانشگاه پرینستون در یادداشتی برای نشریه فارن‌افرز می‌نویسد: «مذاکرات هفته گذشته در اسلام‌آباد شکست خورد زیرا هر طرف به جای دادن امتیازاتِ سنجیده، به خواسته‌های صلب خود چسبیده بود. هیچ‌کدام از طرفین نمی‌خواست طرف مقابل پیروزی آشکاری به دست آورد. در دور بعدی مذاکرات، آن‌ها باید انتظارات خود را بازتعریف کنند، در مفهوم موفقیت تجدیدنظر کنند و آماده مصالحه باشند.»

برای هر کسی که خواهان بهبود روابط ایران و ایالات متحده است، اکنون هم‌زمان دوران امیدهای بزرگ و ناامیدی‌های عمیق است.

از یک سو، هیئت‌های دو کشور آخر هفته گذشته برای نخستین بار در یک دهه اخیر به صورت حضوری با یکدیگر دیدار کردند و در امید به دستیابی به یک تسویه صلح پایدار، تمام شب را به مذاکره گذراندند.

رهبران هیئت‌های هر کشور نه دیپلمات‌ها، بلکه سیاستمدارانی قدرتمند بودند؛ یعنی «جی‌دی ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا و «محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس ایران، که این نشان‌دهنده میزان جدیت دو کشور در این مذاکرات است.

اما از سوی دیگر، تنش‌ها میان دو کشور در نتیجه کارزار شش هفته‌ای بمباران‌های آمریکا و اسرائیل به شدت بالا است. و علیرغم تمام هیاهوها، دور اخیر گفتگوها نتوانست به توافقی منجر شود.

درک اینکه چرا تهران و واشنگتن علیرغم تمام انرژی که برای ایجاد یک توافق صرف می‌کنند، همچنان در تقلا هستند، دشوار نیست. «دریایی از خون» میان دو کشور جاری است که مصالحه را به شدت چالش‌برانگیز می‌کند.

این وضعیت عمدتاً ناشی از اقدامات واشنگتن است. طی سال گذشته، ایالات متحده نه یک بار، بلکه دو بار با ایران وارد جنگ شده است. این کشور [در این سناریو] رهبر عالی ایران، ده‌ها فرمانده ارشد نظامی و بیش از هزار غیرنظامی را کشته است. ایستادگی ایالات متحده و ایران بر مواضع حداکثری خود نیز کمکی به حل ماجرا نمی‌کند.

اما با وجود بن‌بست فعلی در گفتگوها، آتش‌بس میان دو کشور همچنان برقرار است. قرار است بحث‌ها ادامه یابد، بنابراین دستیابی به یک قرارداد صلح همچنان ممکن است.

با این حال، برای رسیدن به آن، تهران و واشنگتن باید در رویکرد خود به مذاکرات تجدیدنظر کنند. واضح‌ترین نکته این است که دو دولت باید در مورد برنامه هسته‌ای ایران و آینده تنگه هرمز مصالحه کنند. آن‌ها نیاز دارند یک نظم منطقه‌ای مبتنی بر همکاری بیشتر ایجاد کنند.

به طور کلی‌تر، ایران و ایالات متحده باید فانتزیِ شکست کامل رقیب دیرینه را رها کرده و درک کنند که باید به منافع یکدیگر احترام بگذارند. هر دو طرف باید بپذیرند که طرف مقابل قدرتمندتر از آن است که شکست بخورد. ادامه تظاهر به عکس این موضوع، تنها باعث بروز بحران‌ها و درگیری‌های بیشتری در حال و آینده خواهد شد.

حقایق ناخوشایند

تا به امروز، موضوعاتی که مانع از توافق صلح میان ایران و آمریکا می‌شوند، آشنا هستند.

واشنگتن از تهران می‌خواهد که از اورانیوم غنی‌شده خود دست بکشد، تولید مواد هسته‌ای بیشتر را متوقف کند و کنترل تنگه هرمز را واگذار کند.

جمهوری اسلامی با هیچ‌یک از این اقدامات موافقت نمی‌کند. برای ایران، حق غنی‌سازی با مفاهیم حاکمیت ملی، بازدارندگی و غرور ملی گره خورده است. برای تهران عمیقاً تحقیرآمیز است که تنها عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باشد که با درخواست توقف غنی‌سازی روبروست. از سوی دیگر، تنگه هرمز یک دارایی استراتژیک حیاتی است که به تسهیل تجارت ایران کمک کرده و همان‌طور که این جنگ نشان داد، به این کشور اهرم فشار ژئوپلیتیک می‌دهد.

اما مذاکرات به دلایلی فراتر از اختلافات خاص شکست خورد؛ آن‌ها به دلیل ادراک متفاوت از «قدرت» نیز شکست خوردند. ایران با حس تاب‌آوری وارد گفتگوها شد؛ چرا که توانسته بود در برابر حمله مشترک آمریکا و اسرائیل که ترامپ مدعی بود به سقوط رژیم منجر می‌شود، ایستادگی کند. ایالات متحده نیز با این باور پای میز مذاکره آمد که دست برتر را دارد. رهبران آمریکا اگرچه از سرسختی تهران کلافه بودند، اما تصور می‌کردند که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به دستگاه نظامی و امنیتی ایران وارد کرده‌اند. بنابراین گمان کردند که فشار حداکثری مستمر می‌تواند ایران را مجبور به امتیاز دادن کند. هر دو دیدگاه، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، بسیار ناقص هستند، اما با این وجود شکستن بن‌بست را به شدت دشوار کرده‌اند.

واقعیتِ اینکه دو طرف در حال گفتگو هستند، نشان می‌دهد که راهی به جلو وجود دارد. این مسیر باید با حفظ آتش‌بس آغاز شود، زیرا بازگشت به مخاصمات ممکن است راه مذاکرات طولانی‌مدت را ببندد. آتش‌بس همچنین به ایجاد حداقل مقداری حسن نیت کمک می‌کند؛ برای مثال، می‌تواند اجازه اقدامات ملموسِ اعتمادساز نظیر کمک‌های بشردوستانه، لغو بخشی از تحریم‌ها یا ترتیبات فنی دریایی را بدهد.

به عنوان نمونه، تهران و واشنگتن ممکن است یک کریدور دریایی مشترک ایجاد کنند تا اطمینان یابند غذا، دارو و سوخت به سواحل ایران می‌رسد. همچنین اگر واشنگتن برخی تحریم‌ها را برای دوره‌ای موقت تعلیق کند، تهران می‌تواند اتباع خارجی زندانی را آزاد کرده و به کارکنان صلیب سرخ اجازه ورود به کشور را بدهد.

افزایش اعتماد به نوبه خود به ایران و ایالات متحده کمک می‌کند تا به یک توافق دائمی دست یابند، مشروط بر اینکه رویکرد متفاوتی در مذاکرات اتخاذ کنند.

تهران و واشنگتن به جای چانه‌زنی بی‌حاصل بر سر خواسته‌هایشان، باید فرآیند دیپلماتیک بعدی را با تصمیم‌گیری بر سر یک هدف نهایی مشترک آغاز کنند: روابط پایدار و غیرخصمانه و در نهایت عادی‌سازی کامل روابط. به عبارت دیگر، مقامات ایرانی و آمریکایی باید به دنبال ایجاد پویایی‌ای باشند که در آن بتوانند اختلافات خود را از طریق دیپلماسی مستقیم حل کرده و در موضوعات مورد علاقه مشترک همکاری کنند. این درک مشترک با روشن کردن این موضوع که کدام «خطوط قرمز» واقعاً اهمیت دارند و کدام‌یک ندارند، مصالحه را آسان‌تر می‌کند.

هر یک از دو طرف همچنین باید این فرض را که دست برتر را در اختیار دارد، رها کند. اگرچه مقامات آمریکایی و ایرانی هر دو در دو هفته گذشته بیانیه‌های پرطمطراقی درباره پیروزی صادر کرده‌اند، اما حقیقت این است که در صورت از سرگیری درگیری، هم واشنگتن و هم تهران کارت‌های قدرتمندی برای بازی دارند.

ایران کشوری پهناور و کوهستانی با ۹۰ میلیون جمعیت است که هزاران سال تاریخ مشترک دارند؛ این کشور می‌تواند حتی در برابر تلاش مستمر آمریکا برای تغییر رژیم دوام بیاورد. اما ایالات متحده نیز قدرتمندترین ارتش جهان را در اختیار دارد و می‌تواند به اعمال تحریم‌های شدید و انواع دیگر فشارها ادامه دهد و رهبری ایران را هدف قرار داده و آسیب‌های بزرگی به غیرنظامیان وارد کند.

زمانی که این حقایق را بپذیرند، تهران و واشنگتن ممکن است در نهایت مایل به مصالحه بر سر اهداف اصلی خود باشند. این کار با اصلی‌ترین نقطه اختلاف آغاز می‌شود: برنامه هسته‌ای ایران. چندین توافق قابل اجرا وجود دارد که دو طرف می‌توانند به آن دست یابند، مشروط بر اینکه ایالات متحده خواسته خود مبنی بر دست کشیدن کامل ایران از غنی‌سازی را کنار بگذارد.

واشنگتن، برای مثال، می‌تواند حق غنی‌سازی ایران تحت معاهده NPT را در قبال تعهد الزام‌آور تهران به عدم اعمال این حق برای دوره‌ای مشخص، به عنوان راهی برای افزایش اعتماد به رسمیت بشناسد. به نظر می‌رسد هر دو کشور نسبت به چنین ترتیبی تمایل دارند.

طبق گزارش‌های «واشنگتن پست» و «نیویورک تایمز»، ایالات متحده به دنبال تعلیق ۲۰ ساله غنی‌سازی بوده، در حالی که ایران پیشنهاد ۵ ساله داده است. آن‌ها ممکن است در میانه راه، مثلاً روی ۱۰ سال توافق کنند.

ایران هم‌زمان قول خواهد داد که وقتی غنی‌سازی را از سر می‌گیرد، از سطح ۳.۶۷ درصد فراتر نرود (سطحی که برای نیازهای انرژی کافی است اما بسیار کمتر از آستانه سلاح هسته‌ای است).

تهران همچنین باید نظارت‌های سرزده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرد. ایران ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد فعلی خود را نگه می‌دارد، اما متعهد می‌شود کل این ذخایر را به ۳.۶۷ درصد رقیق کرده، پلمب نموده و تحت نظارت و حفاظت مداوم آژانس در داخل ایران نگه دارد.

تهران همچنین ممکن است با ایجاد یک «کنسرسیوم غنی‌سازی منطقه‌ای» با کشورهای عرب همسایه موافقت کند. این ترتیب که بر اساس مدل کنسرسیوم اروپایی «یورودیف» (Eurodif) طراحی می‌شود، فعالیت‌های حساس چرخه سوخت را به طور مشترک مدیریت و توزیع می‌کند.

این گام‌ها می‌تواند در یک توافق هسته‌ای موازی میان واشنگتن و تهران تثبیت شود که در آن ایران جایگاه خود را به عنوان یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای مجدداً تأیید کند و ایالات متحده رسماً از حق تهران برای فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز حمایت نماید.

صلح، گام به گام

حل تنش‌های هسته‌ای، ایران و ایالات متحده را به بخش بزرگی از مسیر توافق می‌رساند. اما دو کشور نیاز دارند اختلافات دیگر، از جمله بر سر تنگه هرمز را نیز حل و فصل کنند

مایه تأسف است که واشنگتن تصمیم گرفته این آبراه و در واقع تمام ترافیک دریایی به مقصد و از مبدأ بنادر اقیانوسی ایران را محاصره کند. این تصمیم جمهوری اسلامی را منزوی نخواهد کرد، زیرا ایران می‌تواند مسیر تجارت را از طریق دریای خزر و شبکه‌های زمینی از طریق کشورهای همسایه تغییر دهد. اما این کار بی‌اعتمادی را عمیق‌تر کرده و مواضع سخت‌گیرانه را تقویت می‌کند. در واقع، این حرکت ریسک گسترش درگیری را به همراه دارد؛ برای مثال، ممکن است منجر شود که نیروهای حوثی مورد حمایت ایران در یمن، حمل‌ونقل دریایی در تنگه باب‌المندب را مختل کنند که تجارت جهانی را بیش از پیش گره می‌زند.

برای جلوگیری از چنین فاجعه‌ای، هم ایران و هم ایالات متحده باید مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای سازمان ملل، به آزادی دریانوردی در تنگه هرمز متعهد شوند. اما حل تنش‌ها بر سر این آبراه احتمالاً مستلزم مشارکت هر هشت کشور خلیج فارس است.

برای ایجاد چارچوبی جهت امنیت و همکاری جمعی، شورای امنیت سازمان ملل حتی می‌تواند دبیرکل را موظف کند تا یک مجمع دائمی (شامل یک نیروی وظیفه امنیت دریایی) تشکیل دهد که در آن این کشورها و پنج عضو دائم شورای امنیت بتوانند اختلافات را حل کنند. جنگ با ایران ممکن است یک موضوع دوجانبه تصور شود، اما کشورهای عربی را نیز به شدت درگیر می‌کند.

این موضوع اسرائیل را نیز شامل می‌شود و ایجاد صلح میان ایران و آن کشور بسیار دشوارتر خواهد بود. اما ایالات متحده اهرم فشار کافی بر اسرائیل دارد تا فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن را مهار کند.

بعید است که این گفتگوها به عادی‌سازی کامل روابط میان واشنگتن و تهران منجر شود؛ حداقل در کوتاه‌مدت. دو دولت برای مدتی بسیار طولانی با هم در تضاد بوده‌اند که نتوانند ناگهان تغییر جهت دهند. دهه‌ها بی‌اعتمادی، تقابل نظامی و تحریم‌ها، سطحی از خصومت ایجاد کرده است که به راحتی قابل بازگشت نیست. به عبارت دیگر، «دریایی از خون» برای یک مصالحه فوری، بیش از حد عمیق است.

این بدان معنا نیست که تقابل ایالات متحده و ایران باید ادامه یابد؛ در واقع، نباید ادامه یابد. دو کشور دارای منافع مشترک مهمی هستند (ثبات منطقه‌ای، امنیت دریایی، مبارزه با تروریسم و منع گسترش تسلیحات) که از زمان انقلاب اسلامی به ندرت، یا شاید هرگز، از طریق همکاری به آن‌ها نپرداخته‌اند

با برنامه‌ریزی دقیق و امتیازات متقابل، دو کشور می‌توانند این مسیر را آغاز کنند. آن‌ها نمی‌توانند به دوران شاه بازگردند، زمانی که ایران شریک نزدیک آمریکا بود. اما می‌توانند به وضعیتی بازگردند که پس از انقلاب ۱۹۷۹ حاکم بود؛ زمانی که روابط تیره و خصمانه بود اما به اندازه کافی برای برخی همکاری‌ها «کارآمد» بود، تا اینکه در اواخر آن سال ماجرای گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران رخ داد.

تعامل محتاطانه حتی می‌تواند فضایی برای عادی‌سازی کامل‌تر در سال‌های آینده ایجاد کند. در کمترین حالت، این کار به مقامات آمریکایی و ایرانی کمک می‌کند تا به جای اتکا به صف بی‌پایانی از میانجی‌گران طرف سوم، مستقیماً مذاکره کنند.

اما برای رسیدن به این پایان نسبتاً خوش، هم تهران و هم واشنگتن باید انعطاف‌پذیرتر باشند. مذاکرات آخر هفته گذشته در اسلام‌آباد شکست خورد زیرا هر طرف به جای دادن امتیازاتِ سنجیده، به خواسته‌های صلب خود چسبیده بود. هیچ‌کدام از طرفین نمی‌خواست طرف مقابل پیروزی آشکاری به دست آورد. در دور بعدی مذاکرات، آن‌ها باید انتظارات خود را بازتعریف کنند، در مفهوم «موفقیت» تجدیدنظر کنند و آماده مصالحه باشند. اگر نتوانند، نتیجه بازگشت به تقابل خواهد بود؛ با پیامدهایی که هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند آن را کنترل یا پیش‌بینی کند.

خبر

معادلات منطقه چگونه تغییر کرد؟

ابعاد مهم آتش بس در لبنان

آتش‌بس اعلام‌شده در لبنان نه یک ابتکار یک‌جانبه، بلکه محصول تغییر موازنه قدرت به نفع محور مقاومت است؛ جایی که فشارهای میدانی و سیاسی ایران و حزب‌الله، رژیم صهیونیستی را ناچار به پذیرش توقف درگیری و عقب‌نشینی تاکتیکی کرده است.

تحولات اخیر نشان می‌دهد که معادله قدرت در منطقه به‌طور معناداری تغییر کرده است. آتش‌بس در لبنان زمانی اعلام شد که طرف اسرائیلی در موقعیت برتری قرار نداشت و ادامه درگیری می‌توانست هزینه‌های فزاینده‌ای بر آن تحمیل کند. در چنین شرایطی، پذیرش آتش‌بس نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت تحمیلی بود.

نقش حزب‌الله در ایجاد این وضعیت تعیین‌کننده است. این جریان با حفظ توان بازدارندگی و نشان دادن آمادگی برای تداوم درگیری، توانست طرف مقابل را در وضعیت فرسایشی قرار دهد. این بازدارندگی تنها نظامی نبود، بلکه ابعاد روانی و سیاسی نیز داشت و باعث شد فضای تصمیم‌گیری در تل‌آویو به سمت پذیرش توقف درگیری سوق پیدا کند. از سوی دیگر، پیوند میان جبهه‌های مختلف مقاومت، به‌ویژه ارتباط راهبردی میان لبنان و سایر نقاط درگیری، باعث شد که هرگونه تشدید تنش، پیامدهای گسترده‌تری برای طرف مقابل داشته باشد. این وضعیت، عملاً گزینه‌های اسرائیل و حامیانش را محدود کرد و آن‌ها را به سمت پذیرش آتش‌بس سوق داد.

نقش کلیدی ایران در مهندسی فشار

ایران در این معادله نقش یک بازیگر تعیین‌کننده را ایفا کرد. اعمال فشار سیاسی و ایجاد هماهنگی میان بازیگران منطقه‌ای، موجب شد که آتش‌بس به‌عنوان یک پیش‌شرط در مسیر تحولات آینده مطرح شود. این فشارها تنها محدود به عرصه دیپلماتیک نبود، بلکه در سطح میدانی نیز با تقویت محور مقاومت همراه شد.

توانایی ایران در پیوند دادن بحران‌های منطقه‌ای به یکدیگر، یکی از عوامل کلیدی در تغییر رفتار طرف مقابل بود. این راهبرد باعث شد که هرگونه اقدام در یک جبهه، تبعاتی در جبهه‌های دیگر داشته باشد. چنین وضعیتی، هزینه تصمیم‌گیری برای آمریکا و اسرائیل را به‌شدت افزایش داد.

در واقع، ایران با استفاده از ابزارهای متنوع خود، از دیپلماسی تا حمایت میدانی، توانست یک چارچوب فشار چندلایه ایجاد کند. نتیجه این فشار، پذیرش آتش‌بس در شرایطی بود که طرف مقابل تلاش داشت آن را به‌عنوان یک موفقیت سیاسی معرفی کند، در حالی که واقعیت میدانی چیز دیگری را نشان می‌دهد.

مدیریت روایت؛ نبردی به موازات میدان

یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، جنگ روایت‌هاست. تلاش برای نسبت دادن آتش‌بس به ابتکار آمریکا، بخشی از یک راهبرد رسانه‌ای برای کمرنگ کردن نقش مقاومت و ایران است. این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد تصمیم به آتش‌بس در شرایطی اتخاذ شد که طرف مقابل با محدودیت‌های جدی مواجه بود.

مدیریت روایت از سوی مقاومت اهمیت بالایی دارد، زیرا این روایت‌ها می‌توانند بر افکار عمومی منطقه و حتی تصمیم‌گیری‌های آینده تأثیر بگذارند. اگر آتش‌بس به‌عنوان یک عقب‌نشینی تحمیلی بر اسرائیل معرفی شود، این امر می‌تواند به تقویت جایگاه حزب‌الله و ایران منجر شود.

در مقابل، روایت‌سازی طرف مقابل با هدف ایجاد شکاف در داخل لبنان و کاهش مشروعیت مقاومت دنبال می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که نبرد اصلی تنها در میدان نظامی نیست، بلکه در عرصه رسانه و افکار عمومی نیز جریان دارد.

پیامدهای راهبردی برای آینده منطقه

آتش‌بس لبنان پیامدهای مهمی برای آینده منطقه دارد. نخستین پیامد آن، تثبیت جایگاه حزب‌الله به‌عنوان یک بازیگر بازدارنده است. این جایگاه نه‌تنها در لبنان، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز تقویت شده است. دومین پیامد، افزایش نقش ایران در معادلات منطقه‌ای است. توانایی تهران در تأثیرگذاری بر روند تحولات، نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن این نقش، هیچ معادله‌ای در منطقه پایدار نخواهد بود.

در نهایت، این آتش‌بس می‌تواند مقدمه‌ای برای تغییرات گسترده‌تر در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه باشد. اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، احتمال شکل‌گیری یک نظم جدید منطقه‌ای وجود دارد که در آن محور مقاومت نقش پررنگ‌تری ایفا خواهد کرد.

وزیر امورخارجه دو روز مانده به پایان آتش بس مطرح کرد

بازشدن تنگه هرمز با اعلام ایران

وزیر امور خارجه عبور و مرور از طریق تنگه هرمز برای باقیمانده دوره آتش‌بس را به‌طور کامل آزاد اعلام کرد.

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه کشورمان روز ۲۸ فروردین در شبکه ایکس، از آزادی تردد در تنگه هرمز خبر داد و نوشت: در پی اعلام آتش‌بس در لبنان، عبور و مرور تمامی کشتی‌های تجاری از طریق تنگه هرمز برای باقیمانده دوره آتش‌بس به‌طور کامل آزاد اعلام می‌شود.

عراقچی افزود: این تردد باید در مسیر هماهنگ‌شده و از پیش اعلام‌شده توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.

به گزارش ایرنا، آتش‌بس اعلام شده میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و رژیم اسرائیل در ۱۹ فروردین‌ماه با هدف فرصت به راهکارهای دیپلماتیک برای پایان دادن دائمی به جنگ، به مدت ۲ هفته برقرار شد. آتش‌بس در همه نقاط درگیر از جمله لبنان پیش‌شرط ایران و آزادی تردد در تنگه هرمز خواسته آمریکا بود که امروز همزمان با پایان آتش‌بس در لبنان، تردد در تنگه هرمز هم تا پایان آتش‌بس از سوی ایران اعلام شد.

خطیب‌زاده: ایران به باز نگه داشتن تنگه هرمز متعهد است

رئیس مرکز مطالعات وزارت امور خارجه با اشاره به اینکه ایران همچنان به باز نگه داشتن تنگه متعهد است، گفت: با توجه به شرایط فعلی، ممکن است ترتیبات جدیدی از جمله در زمینه امنیت، عبور ایمن و ملاحظات زیست‌محیطی معرفی شود.

به گزارش گروه سیاست خارجی ایرنا، «سعید خطیب‌زاده» معاون وزیر امور خارجه و رئیس مرکز مطالعات وزارت امور خارجه در روز جمعه ۲۸ فروردین در حاشیه «مجمع دیپلماسی آنتالیا» در گفت‌وگو با خبرنگاران ضمن تاکید بر اینکه تنگه هرمز باز خواهد ماند اما ممکن است قوانین جدیدی اعمال شود؛ گفت: هرگونه آتش‌بس باید تمامی مناطق درگیری «از لبنان تا دریای سرخ» را دربر بگیرد و این موضوع «خط قرمز» ایران است.

معاون وزیر امور خارجه با بیان اینکه ایران هیچ آتش‌بس موقتی را نمی‌پذیرد، افزود: چرخه درگیری باید همین‌جا برای همیشه پایان یابد.

خطیب‌زاده با اشاره به اینکه هدف میانجی‌گری پاکستان تحقق همین موضوع است، درباره تنگه هرمز گفت که این آبراهه از نظر تاریخی باز بوده و یادآور شد که این آبراهه در محدوده آب‌های سرزمینی ایران قرار دارد، اما همواره در دسترس بوده است.

وی آمریکا و اسرائیل را عامل ایجاد بی‌ثباتی در منطقه دانست و گفت: اقدامات آن‌ها بر تجارت جهانی و اقتصاد گسترده‌تر تأثیر منفی گذاشته است.

خطیب‌زاده با تاکید بر اینکه ایران همچنان به باز نگه داشتن تنگه هرمز متعهد است، گفت: با توجه به شرایط فعلی، ممکن است ترتیبات جدیدی از جمله در زمینه امنیت، عبور ایمن و ملاحظات زیست‌محیطی معرفی شود.

وی افزود: حل‌وفصل پایدار درگیری، همراه با فاصله گرفتن از مواضع حداکثری آمریکا، تضمین خواهد کرد که تنگه هرمز همچنان مسیر باثباتی برای تجارت جهانی باقی بماند.

رهبران جهان و مقامات ارشد از ۱۷ تا ۱۹ آوریل برای بررسی چالش‌های جهانی و تنش‌های منطقه‌ای در «مجمع دیپلماسی آنتالیا» در ترکیه حضور دارند.

قدردانی ترامپ از ایران برای بازگشایی تنگه هرمز

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا از اقدام ایران مبنی بر بازگشایی تنگه هرمز قدردانی کرد.

به گزارش ایسنا، ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «ایران همین حالا اعلام کرد که تنگه هرمز به طور کامل باز شده و آماده عبور و مرور کامل است. از شما ممنونم.»

در دهمین روز آتش‌بس بین ایالات متحده و ایران، تهران از بازگشایی کامل تنگه هرمز خبر داد، در حالی که آتش‌بس در لبنان که از نیمه‌شب پنجشنبه به اجرا درآمد، همچنان ادامه دارد.

«سید عباس عراقچی» وزیر خارجه ایران امروز در ایکس نوشت: «این تردد باید در مسیر هماهنگ‌شده و از پیش اعلام‌شده توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.»